

خیام، چنان که هست

محمد بقایی (ماکان)



انتشارات تهران

www.ketab.ir



انتشارات تهران

خیام، چنان که هست

محمد بقایی (ماکان)

اول، ۳۰۰ نسخه، ۱۴۰۳

ناشر همکار: آما

حروفچینی: شبستری

چاپ: پردیس دانش

طرح: پ. علی رضا دوستی

شابک: ۷-۷-۲۹۱۱-۹۶۴-۹۷۸

تهران، خیابان پاسداران، چهارم پاسداران، شماره ۵۱۴

تلفن‌های انتشارات: ۲۲۵۴۵۲۱۹، ۲۲۷۶۰۶۹۹، ۲۲۷۶۰۶۹۹، ۲۲۵۶۹۸۰۱

WWW.TEHRAN55.COM

کلیه حقوق چاپ و نشر اثر برای انتشارات تهران محفوظ است.

هرگونه برداشت یا اقتباس از این کتاب؛ کلی یا جزئی، به هر شکل الکترونیکی، دیجیتال، چاپ، صوتی، فضای مجازی و... بدون اجازه کتبی ناشر ممنوع بوده و پیگرد قانونی دارد.

سرشناسه: بقایی ماکان، محمد، ۱۳۲۳ -

عنوان و نام پدیدآور: سعدی، چنان که هست/ محمد بقایی ماکان.

مشخصات نشر: تهران: انتشارات تهران، ۱۴۰۳.

مشخصات ظاهری: ۱۸۰ ص، ۱۴/۵×۲۱/۵ س.م.

شابک: ۷-۷-۲۹۱۱-۹۶۴-۹۷۸

وضعیت فهرست نویسی: فیا

موضوع: خیام، عمر بن ابراهیم، ۴۳۲ - ۵۱۷ ق. - نقد و تفسیر

موضوع: خیام، عمر بن ابراهیم، ۴۴۲-۵۱۷ ق. - سرگذشتنامه

موضوع: شعر فارسی - قرن ۵ ق. - تاریخ و نقد

موضوع: Persian poetry -- 11th century -- History and criticism

موضوع: شاعران ایرانی - قرن ۵ ق. - نقد و تفسیر

رده بندی کنگره: PIR ۴۶۲۵

رده بندی دیویی: ۸۱۷/۲۲

شماره کتابشناسی ملی: ۹۵۰۱۵۷۵

اطلاعات رکورد کتابشناسی: فیا

قیمت: ۲۹۵۰۰۰ تومان

نمایه گفتارها

۷	پیش گفتار.....
۱۱	۱. خیام در گذر زمان.....
۲۳	۲. خیام؛ معمای بی پاسخ.....
۲۷	خیام کیست؟.....
۳۰	حکیم نیشابوری.....
۴۱	۳. خیام و مسایل فراطبیعی.....
۴۱	خیام و جهان دیگر.....
۴۵	خیام و ندانم گرایی.....
۴۷	خدا در تصور خیام.....
۵۵	خیام و تقدیر گرایی.....
۶۳	خیام، از ندانم گرایی تا هیچ انگاری.....
۶۹	شادمانی و شاد خواری.....
۷۲	خواب و مرگ.....
۷۷	خیام و مرگ اندیشی.....
۸۱	۴. خیام از چند منظر.....
۸۲	خیام و سنایی.....
۹۳	خیام و ابوالعلاء معری.....

۹۴		خیام و اقبال
۹۹		خیام و هرمان هسه
۱۰۳		خیام و محمد غزالی
۱۰۹		۵. خیام و نوروزنامه
۱۳۰		خیام و سرمستی
۱۳۴		خیام و گاه‌شمار جلالی
۱۳۷		۶. خیام و صاحب‌نظران
۱۵۹		۷. نمایه رباعیاتی که در این کتاب مورد بررسی قرار گرفته
۱۶۷		۸. نمایه نامها و موضوعات

پیش‌گفتار

در این کتاب ضمن بررسی دیدگاه‌های خیام، مضامین و موضوعات سروده‌هایش نیز با دیگر شاعران و اندیشمندان تا حد مقدور مورد سنجش قرار گرفته. در اشعار خیام همانند حافظ و شمس، تضاد وجود دارد که نتیجه‌گیری قطعی را در مورد پاره‌یی از نظراتش دشوار می‌سازد. از این رو بعضی از آنان که به شرح دیدگاه‌هایش برآمده‌اند توجیهانی برای جمع آن تضادات ارائه داده‌اند که کاملاً پیدا است در این دایره سرگردانند و عنایت ندارند به آن که وجود اندیشه‌های متضاد در دنیای عاطفی و خیال‌انگیز شعر امری طبیعی است. این دوگانگی و گاه چندگانگی به احتمال زیاد از این سبب است که خیام چنان‌که گفته‌اند شعرش را در حالت سرمستی و فارغ از عقل عقیده می‌سروده. از این اثر مضمون است که او را به مسلک‌های مختلف از دهری و طبیعی تا عرفانی و واهی منسوب دانسته و شخصیتی به مذاق خویش ساخته‌اند.

در طی هزار سال که از زندگی خیام می‌گذرد، سخنانی چندان ضد و نقیض درباره‌اش گفته شده که چهره واقعی او در هاله‌یی از ابهام قرار گرفته و حتی حجابی شده است بر سیمای اصلی دیدگاه‌های این حکیم پرآوازه. برخی از نظرات درباره وی چندان محافظه کارانه است که گویی سخن از فقهی متعبد در میان است که سحرخیز بوده است و مولع زهد و پرهیز. جمعی نیز او را چنان دیده‌اند که یادآور رندی لایبالی است که سری سودایی داشته، دفتر عقل را به آب طریناک شسته و با آیت عشق سروکارش نبوده. گروهی نیز برای آن که از این تضاد

رهایی یابند، چاره کار را در تفکیک فردیت وی یافتند. پیداست که این نظرات به گوش هریک از طیفهای مقابل ثقیل می آمد، ولی حقیقت این است که خیام — چنان که در این کتاب شرح خواهد شد — اندیشمندی بوده است که از دفتر عقل آیت عشق خواند. از این گذشته وجود مفاهیم و مضمونهای متضاد در شعری از آنجا ناشی شده که از اواخر سده هشتم رباعیات فراوانی که تشخیص آنها از رباعیات اصیل دشوار است به حکیم نیشابور نسبت داده شده، به طوری که تعداد آنها به بیش از هزار بالغ گردیده. به طوری که تخمین زده اند، پس از ترجمه فیتزجرالد که تاکنون ۲۰۰ بار چاپ شده، نزدیک به دو هزار کتاب، رساله و مقاله نیز در ره خیام نگاشته شده. رباعیات وی ۶۰ بار به عربی، ۳۲ بار به انگلیسی، ۱۶ بار به فرانسوی، ۱۲ بار به آلمانی، ۱۱ بار به اردو، ۵ بار به ایتالیایی، ۴ بار به روسی و ترکی، ۳ بار به یونانی، و ۲ بار به دانمارکی و ارمنی ترجمه شده. بدیهی است همه آنچه در نسخه های گوناگون آمده از خیام نیست، ولی گزینش یا حذف بسیاری از آنها اگر ناممکن نباشد بسیار دشوار است. گذشته از سروده های خیام، به مجموع اشعار برخی از دیگر سائران مانند فردوسی، مولوی و حافظ نیز در طی سالها ابیات فراوانی اضافه شده که پس به وسیله اهل تحقیق مورد جرح و تعدیل قرار گرفته. بر این اساس است که در نسخه های متعددی که زیر نام رباعیات خیام از پژوهندگان شناخته شده در دست است، تفاوتی فاحش و درخور تأمل وجود دارد. برای مثال برخی از رباعیات که در تصحیح قزوینی است در نسخه هدایت نیست، بی آن که بتوان برای گزینشهای آنان دلیل قانع کننده ای ارایه داد. مؤلفان این نسخه ها نیز خود معترفند که هر آنچه را گرد آوردند نمی توان به یقین از خیام دانست. گروهی نیز رباعیاتی را که در آن سخن از می گساری است از خیام حکیم نمی دانند و اگر هم بدانند تأویلات و توجیهاتی ارائه می دهند که مقبول طبع مسترعان است. این که مقصود شاعر از می در مواردی شاد زیستن و غنیمت شمردن اوقات زندگی، و نسپردن خویش به دست غم است و بهره بردن از لذتهای حیات سخنی چندان بی پایه نیست، زیرا از عالمی چون او بعید می نماید جز این بیندیشد.

از سوی دیگر برخی بسیاری از رباعیاتی را که دارای چنین مضمونی هستند و به خیام نسبت داده شده، با همان معنای لفظی از او می‌دانند به این دلیل که هیچ تفاوت محتوایی و ساختاری میان آنها با رباعیاتی نمی‌بینند که اصل دانسته می‌شوند.

همچنین باید دانست که پاره‌یی از رباعیات که باید آنها را رباعیات سرگردان نامید در بین سروده‌های دیگر شاعران به ویژه خیام وجود دارد که پیداست نه با شیوه کلامی او سازگار است و نه به استواری منطق اوست، از جمله رباعیاتی از باباافضل و سنایی و عطار و دیگران که گرچه موضوعاتشان خیامی است، ولی کلامشان خیام‌گونه نیست، با این همه به دلیل آوازه‌یی که خیام در این زمینه دارد، غالب آنها به نام وی معروف افتاده، یا در شمار رباعیاتش ثبت شده.

رباعی، چنان‌که شرح خواهد شد، یکی از زیباترین و جذاب‌ترین شیوه‌های کلام منظوم است که سادگی و روانی ایرانی است و خیام خداوندگار آن است، چندان که نام او مرادف نام رباعی است. آنچه رباعیات خیام را از رباعیات دیگر شاعران ممتاز می‌سازد، نکات بسیار تأمل‌برانگیز، بیان روان و ساده، معانی ژرف، قوت فصاحت و منطق اثرگذار آن است.

اندیشه خیامی را چه در شاعران پیش از او مانند رودکی و فردوسی و چه در سرایندگان پس از او تا زمان حاضر می‌توان یافت. این در تاریخ شعر فارسی هیچ شاعری به میزان حافظ با او نزدیک نبوده. این نزدیکی الزاماً ناشی از تأثیرپذیری نیست، زیرا خواجه شیراز نیز به عنوان شخصیتی مستقل در آن دوره خاص خود را داشته که برخی از آنها با نظرات خیام قابل تطبیق است که در جای-بایه این کتاب، هر جا نیاز افتاده، مورد مقایسه قرار گرفته. این بدان معناست که بسیاری از رباعیات خیام یادآور بیت یا ابیاتی از حافظ است. بر این اساس بوده است که در پژوهش حاضر به خلاف برخی دیگر از چهره‌ها که مشابَهت فکری و کلامی آنان با خیام جداگانه بررسی شده، شعری از لسان‌الغیب مدام جلوه می‌نماید.

اندیشه محوری خیام، همانند حافظ بر این اساس است که «زمانه هیچ نبخشد که باز نستانند»، یا بازتاب این گفته همولایتی او ابوالفضل بیهقی است که «احمق، مردا که دل در این جهان بندد که نعمتی بدهد و زشت بازستانند.» بنابراین مسحور

عشوه دنیا شدن دور از عقل سلیم است. این اندیشه سپس در ادب صوفیه بسط می یابد که نشانه های آن در آثار روشنفکران و دگراندیشان آن زمان خراسان از جمله فردوسی و سنایی و عطار دیده می شود، ولی پس از خیام کسی به قدر حافظ بر این اندیشه تأکید نورزیده است.

هر که را خوابگه آخر به دو مشتی خاک است

گو چه حاجت که به افلاک کشی ایوان را

شاید از همین روست که برخی خیام را متمایل به تفکر صوفیانه دانسته و او را مردی عارف شمرده اند، ولی غالب رباعیات او مغایر دیدگاههای عرفانی است؛ زیرا تلاش به عنوان فیلسوفی سینایی به امور فراطبیعی و خالق هستی کاملاً فلسفی و بر عقل استقرایی است.

از مجموع دیدگاههای متفاوتی که در باب سروده های خیام و شیوه نگارش او به انسان، عالم و زندگی گفته شد می توان دریافت که پرداختن به این چهره چندسویه یا چندوجهی شده تاریخی آسان نیست. بنابراین می بایست در انتخاب دیدگاههای واقعی او از میان حالات و رباعیاتش وسواس و دقت بسیار مصروف داشت تا خیام، چنان که هست، نمایانده شود و برای نخستین بار راز سربه مهر تفاوت جهان بینی او از رسالات فلسفی و علمی و فقهی و عقیدتی گرفته تا رباعیاتی که از وی به جا مانده مورد بحث و مزگشایی قرار گیرد.

از خیام رسالات متعددی — چنان که شرح خواهد آمد — به جای مانده، ولی هیچ یک به میزان رباعیات وی بیانگر شیوه تفکر و جهان بینی او نیستند. خیام را از این حیث می توان به ابوالعلاء معری فیلسوف و شاعر سوری تشبیه کرد که اندیشه محوری خود را در اشعارش مطرح نموده. از این رو بعضی از رباعیات چندوجهی او در مواردی برای تأمل بیشتر تکرار شده که از سر عمد بوده نه سهو، زیرا به واقع برخی از آنها را باید بارها خواند و در حین خواندن به خاطر داشت که در زمانی زیر سیطره تفکر امثال امام محمد غزالی و حاکمیت تحجر سروده شده.

م. ب. ماکان

دی ۱۴۰۰